

بسم الله الرحمن الرحيم

عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

درس هفدهم: سرنوشت عهد معهود در دوران غیبت آخرین موعود

در جلسه‌ی گذشته گفتیم عموم امت رسول خاتم نیز مانند امت‌های پیشین به عهدی که درباره‌ی پذیرش و دوستی اهل بیت علیهم السلام با خداوند متعال بسته بودند خیانت کردند و نعمت ۱۳ نفر از ۱۴ برگزیده‌ی ویژه‌ی خدا را به بدترین شکل کفران نمودند. به همین دلیل غضب خدا گریبان بنی آدم را گرفت و خداوند حکیم، آخرین جانشین خود (بقیة الله) را از دسترس آنها خارج کرد.

اما این اتفاق، نمی‌توانست پایان کار بنی آدم باشد. هنوز فلسفه‌ی خلقت آدمیان محقق نشده بود.^۱ هنوز برگزیدگان خالق رحمان سلطنت زمین را به دست نگرفته بودند و خداوند متعال به هیمنه‌ی خدایی‌اش بر روی زمین عبادت نشده بود. باید آخرین برگزیده می‌آمد و وعده‌ی خدا را محقق می‌ساخت. همان وعده‌ای که فرموده بود سرپرستی جهان به جانشینان خدای رحمان خواهد رسید و وفاداران به عهد معهود، قوم برگزیده‌ی خدا بر روی زمین خواهند شد؛^۲ همان بشارت عظمایی که از آدم تا خاتم به زمینیان داده شده بود که به دست نجات بخش آخرالزمان، زمین از عدل و داد و رحمت و برکت لبریز خواهد شد.^۳

اما بنی آدم بی آنکه سراغی از موعود غایب بگیرند و بستر ظهورش را مهیا سازند، به دور از راهنمای الهی روز به روز از هدف خلقت‌شان و عبودیت خالق‌شان دور و دورتر می‌شدند. ظلم و فساد آنچنان زمین را پر کرد که حتی خود بشر هم از اینکه بتواند اوضاع را تحت کنترل در بیاورد و از این وضع اسفناک نجات پیدا کند، ناامید شد.

^۱ خداوند رحمان می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" یعنی: جنّ و انس را نیافریدم مگر برای آنکه عبادت کنند (عبودیت خالق‌شان را به جای آورند): قرآن کریم، سوره ذاریات، آیه ۵۶. از سوی دیگر می‌فرماید اگر این ۱۴ وجود شریف نبودند، نه تنها آدمیان، بلکه آسمان و زمین را هم خلق نمی‌کردم: بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۳. بنابراین همچنانکه در طول دوره‌ی «عهد معهود» توضیح داده شد، فلسفه‌ی خلقت آدمیان این بود که در سایه‌ی هدایت و وجود ۱۴ جانشین برگزیده‌ی خدا، عبودیت خالق‌شان را آنچنان که شایسته‌ی اوست، به جا آورند.

^۲ برای توضیحات بیشتر بنگرید به درس هفتم و هشتم از دوره‌ی عهد معهود

^۳ به عنوان نمونه رسول خاتم فرمود: "مَهْدِي أُمِّي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا" یعنی: مهدی همان کسی است که جهان را از عدل و داد پر می‌کند؛ همچنانکه از ظلم و جور آکنده شده: بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۱۹. "أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ" یعنی: آگاه باشید که پیشینیان به آمدنش بشارت داده‌اند: همان، ج ۳۷، ص ۲۱۴.

رفته رفته عقل‌های آدمیان آنچنان با گناه و فساد محجوب شد که بدیهی‌ترین زشتی‌ها را می‌ستودند و از ارزشمندترین نیکی‌ها برائت می‌جستند. و در این میان از تنها چیزی که یاد نمی‌شد، عهده بود که تا قیام قیامت بر ضمّه آدمیان قرار داشت. عهده با خدا درباره‌ی فرستاده‌ای که غایب بود!

عده‌ای عهد میان آدمیان با خدا را از اساس منکر شدند؛ برخی غیبت جانشین خدا را به معنای نبودنش انگاشتند؛ بعضی هم با آنکه هم عهد را قبول داشتند و هم می‌دانستند که موعود عهد در میان زمینیان اما در غیبت است، ادای به عهد را منوط به زمانی دانستند که او، ظهور نماید. نتیجه‌ی هر سه رویکرد، یک چیز بود: **غربت جانشین خدا و طولانی شدن زمان غیبت او!** چراکه تا زمانی که مردم به اشتباه‌شان درباره‌ی ۱۴ دردانه‌ی خلقت پی نمی‌بردند و با همه‌ی وجود، آمدن آخرین موعود عهد را که نجات بخش زمین و زمینیان بود، از خداوند رحمان طلب نمی‌کردند، غیبت منجی تا دورترین زمان ممکن به تاخیر می‌افتاد.^۴

نکته‌ی قابل توجه اینجاست که درباره‌ی همه‌ی این اتفاقات، برگزیدگان پیشین هشدار داده بودند.^۵ ایشان مانند مادری مهربان و پدری دلسوز که خوشبختی فرزندش را با همه‌ی وجود می‌خواهد، برای کسانی که در عصر غضب الهی به دنیا می‌آمدند، راهکار نجات معرفی کرده بودند.

رسول خاتم در همان روز عهد معهود (غدير خم) که هدایتگران پس از خود را معرفی کرد، فرمود راه نجات و هدایت مردم هر عصری تا قیام قیامت در **گرو تمسک به امام زنده‌ی زمان‌شان (وفاداری به عهد معهود)** است.^۶ این، یعنی مردم عصر غیبت هم از این موضوع مستثنی نیستند و چنانچه طالب خوشبختی‌اند باید به دامان امام زمان‌شان پناه برند؛ حتی اگر در غیبت باشد!

اما سوال!

چگونه می‌توان به امام غایبی که از دسترس خلق دور است، مراجعه و تمسک داشت؟

پاسخ:

به همان شیوه‌ای که مردم در عصر حضور امامان پیشین به حجت زمان‌شان متمسک می‌شدند.

به همین سادگی!

چه کسی گفته وفاداری به عهد معهود و تمسک به امام زنده‌ی زمان، نیازمند دیدار فیزیکی ایشان است؟

مگر نه اینکه او، جانشین خداوند بلند مرتبه است بر روی زمین؟

مگر نه اینکه چشم و گوش خالق است در بین خلق؟

^۴ در پاورقی شماره ۱۱ به تفصیل این موضوع بیان شده است.

^۵ رسول خاتم در روز عهد معهود (غدير خم) فرمود: "وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا" یعنی: به زودی امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی و با ظلم و زور می‌گیرند: اثبات الهدی، ج ۳، ص ۴۱۷.

^۶ پیامبر خاتم در روز غدير پس از تذکر به مردم درباره‌ی جایگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام فرمودند: "لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهَمَّا" یعنی: اگر به آن دو متمسک شوید هرگز گمراه نخواهید شد: بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۵. جهت آشنایی با معنای تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام بنگرید به کتاب «غربت، نصرت، مراجعه» نوشته مسعود بسیطی، باب مراجعه.

پس چگونه به زمان و مکان محدود باشد؟ چطور بنده‌ای در دل نجوا کند و او آگاه نشود؟

مگر امام هادی علیه السلام نفرمود هر کس با امام زمانش کاری داشت، کافی است لب‌هایش را حرکت دهد (خواسته‌اش را بر زبان بیاورد) و مطمئن باشد جانشین خدا می‌شنود و پاسخ می‌گوید؟^۸

بنابراین، وفاداری به عهد معهود و تمسک به موعود عهد، چیزی متفاوت از شانه به شانه‌ی امام راه رفتن یا چشم بر رخ مبارک ایشان دوختن است. **تمسک به امام، یعنی توجه لحظه به لحظه به ایشان و پذیرش اینکه او جانشین خدا بر روی زمین و سرپرست زمینیان است.**

اگرچه با تلاش شیطان، مردم عصر غیبت در مراجعه به امام غایب دچار ابهام و شبهه شدند، اما در زمان پیامبر یا امام‌های پیشین، مردم با چنین تعریفی از تمسک بیگانه نبودند. چراکه در زمان رسول خاتم و یا ۱۱ جانشین پس از او نیز چنین نبود که هر کس هر وقت اراده می‌کرد می‌توانست حجت خدا را ملاقات نماید و از نزدیک با او سخن بگوید. مگر نه اینکه اویس قرنی نتوانست رسول خاتم را حتی برای یک بار در طول عمرش ملاقات کند؟ اما آنچنان به عهد معهود وفادار بود که رحمت عالمیان به او درود فرستاد و درباره‌اش فرمود:

«وَإِذَا شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ (چقدر به تو مشتاقم ای اویس!) ... اویس کسی است که در روز قیامت

۹

تعداد زیادی از مردم به شفاعتش وارد بهشت خواهند شد.»

مردم در دوران ائمه‌ی پیشین می‌دانستند لازمه‌ی وفای به عهد معهود، زیارت چهره‌ی امام‌شان نیست. و اساساً چگونه چنین شرطی ممکن باشد وقتی ائمه علیهم السلام عمدتاً سال‌ها در زندان یا حصر خانگی بودند و اجازه‌ی دیدار با کسی را نداشتند؟ یا چگونه فردی که فرسنگ‌ها از محل زندگی امامش فاصله داشت، بر عهد معهود وفادار می‌ماند اگر شرط وفاداری به عهد، ملاقات امام بود؟

بنابراین، مردم عصر غیبت نیز اگر می‌خواستند می‌توانستند به عهد معهود وفادار بمانند. اما افسوس ...

چه دردناک است شنیدن این جمله از زبان حجت زمان که فرمود:

«اگر شیعیان ما ... در وفای به عهدی که بر گردن‌شان است، یکدل می‌شدند، قطعاً توفیق

ملاقات با ما برای آنان به عقب نمی‌افتاد، و قطعاً سعادت مشاهده‌ی ما ... به زودی برای آنان

حاصل می‌شد.»^{۱۰}

^۷ «مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي وَ كُلِّ عِلْمٍ عِلْمُهُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عِلْمُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ [وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: «وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» (یس، آیه ۱۲)] ... مَعَاشِرَ النَّاسِ، الثُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمٍّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ» یعنی: هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته‌ام در امام المتقین جمع نموده‌ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته‌ام. اوست «امام مبین» [که خداوند در سوره یس ذکر کرده است: «و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم»] ... ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۸.

^۸ «إِنْ كَانَ لَكَ حَاجَةٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ فَإِنَّ الْجَوَابَ يَأْتِيكَ» یعنی: هر وقت حاجتی لب‌هایت را حرکت بده و مطمئن باش جواب، به تو می‌رسد: بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۵۵.

^۹ «وَإِذَا شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ الْقَرْنَى أَلَا وَمَنْ لَقِيَهُ فَلْيَقْرَنُ مِثِّي السَّلَامَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أُوَيْسُ الْقَرْنَى فَقَالَ صَ إِنْ غَابَ عَنْكُمْ لَمْ تَفْقِدُوهُ وَ إِنْ طَهَّرَ لَكُمْ لَمْ تَكْتَرْتُوا بِهِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فِي شَفَاعَتِي ...»: بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵.

آری؛ اگر مردم به عهد خویش وفا می‌کردند، دوران غیبت و دوری از موعود آخر تا این اندازه به درازا نمی‌کشید. اگر کلام امام صادق علیه السلام را که پدرانۀ داستان قوم بنی اسرائیل و غیبت منجی ایشان را برای مردم تعریف کرد تا بدانند اگر روزی در شرایط مشابه قرار گرفتند چگونه غضب خدا را به رحمت تبدیل کنند، به گوش جان می‌شنیدند، اوضاع بنی آدم الان این نبود. امام صادق علیه السلام که می‌دانست غیبت آخرین امام، منجر به فتنه‌ای کور می‌شود و مردم از امام زنده‌ی زمان‌شان غافل می‌گردند، تذکر داد: بنی اسرائیل به سبب عهد شکنی‌شان مورد غضب الهی قرار گرفتند و خداوند به آنها گفت تا ۴۰۰ سال برای‌شان نجات بخشی نخواهد فرستاد. بنی اسرائیل هر روز گرفتارتر از دیروز می‌شدند تا آنجا که مردان‌شان را زنده به گور می‌کردند، حرمت زنان‌شان را می‌ریختند، زنان آبستن را شکم می‌دریدند، کودکان را جلوی چشم مادران سر می‌بریدند، ... بنی اسرائیل با آنکه می‌دانستند خداوند فرموده تا پایان ۴۰۰ سال، منجی‌شان را نمی‌فرستد، نا امید نشدند؛ همدل و یکصدا دست به دعا برداشتند و از خدا عاجزانه خواستند تا باقیمانده‌ی غیبت را بر آنها بیخشاید. خداوند مهربان هم دعای‌شان را مستجاب کرد و ظهور منجی بنی اسرائیل (موسی علیه السلام) را جلو انداخت.

امام صادق علیه السلام پس از تعریف این واقعه به مردم تاکید کرد وقتی آنها هم در سختی و فشار قرار گرفتند و دست‌شان از نجات بخش آسمانی کوتاه بود، مانند بنی اسرائیل با همه‌ی وجود همدلانه ظهور منجی را تمنا کنند. امام هشدار داد چنانچه مردم نسبت به این موضوع بی تفاوت باشند و بود و نبود جانشین خدا در بین‌شان اهمیتی نداشته باشد، ظهور او به دورترین زمان ممکن می‌افتد.^{۱۱}

اما مشکل اینجاست که در این دوره، شیطان بیش از پیش در تلاش است تا همین عده‌ی معدود که خداوند متعال را به یگانگی و حضرت رسول و اهل بیتش را به جانشینی او قبول دارند، از عهد خود رویگردان شوند. چراکه او به خوبی می‌داند اگر همین تعداد اندک هم در طلب آخرین باقیمانده از موعود عهد مانند قوم بنی اسرائیل یکدل و یکنوا شوند، خداوند ظهور منجی را مقدر می‌فرماید. و البته آن روز طبق وعده‌ی خداوند حکیم، پایان مهلت ابلیس است.^{۱۲} پس به هر حيله‌ای متوسل می‌شود تا بنی آدم غرق در مشغولیت‌های رنگ به رنگ، عهد و موعود عهد را فراموش کنند و بدین ترتیب مرگ خود را به تعویق بیندازد.^{۱۳}

حقا که فرزندان آدم هم در یاری شیطان کم نگذاشتند!

غافل از آنکه از همان لحظه‌ای که خالق حکیم، آدمیان را در صُلب آدم ابوالبشر علیه السلام وارد کرد، از همگی تک به تک عهد گرفت تا به یگانگی او و برتری و سرپرستی محمد مصطفی ط ی‌الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکش ایمان داشته باشند و تا آخر عمر بر این پیمان باقی بمانند. سپس میثاق بسته شده را در درون سنگی بهشتی قرار داد و آن سنگ را به عنوان شاهد عهد به زمین فرستاد^{۱۴} تا بر اینکه چه کسانی به عهدشان وفا می‌کنند

^{۱۰} "لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ يَلْقَانَا وَ لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ يُمْشَاهِدَتَنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ يَنَا": بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

^{۱۱} "قَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ صَلَّوْا وَ بَكَوْا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَ هَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَخْلِصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ ... هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَيَّ مُنْتَهَاهُ" یعنی: وقتی عذاب و سختی بر بنی‌اسرائیل طولانی گردید، چهل روز به درگاه خداوند گریه و ناله کردند ... این در حالی بود که از چهارصد سال، یکصد و هفتاد سال باقی مانده بود. خداوند به دعای بنی‌اسرائیل از آن یکصد و هفتاد سال صرف نظر فرمود ... اگر شما شیعیان نیز چنین تضرع و زاری نمایید، خداوند فرج ما را می‌رساند ولی اگر دست روی دست بگذارید، امر ظهور به انتهای زمان خود می‌رسد: بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۴۰.

^{۱۲} بنگرید به درس سوم از درسنامه‌ی عهد معهود

^{۱۳} همان.

^{۱۴} مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۸۲.

شاهد باشد.^{۱۵} آدم علیه السلام سنگ را در کنار کعبه جای داد تا هر گاه خود و فرزندانش آن را می‌بینند به یاد عهد معهودی بیفتند که با خدا بسته‌اند.^{۱۶} از همین روست که در اعمال حج آن سنگ (یعنی حجرالاسود) را به نشانه‌ی تجدید بیعت با خدا لمس می‌کنند و می‌گویند:^{۱۷}

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهٗ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ ...

۱۸

خداوندا؛ امانتم را ادا کردم و پیمانم را عمل کردم تا [این سنگ] گواه وفاداری ام باشد.

و باز به همین دلیل است که آن هنگام که آخرین موعود عهد - مهدی علیه السلام - ظهور می‌کند، از جای جای کوهی زمین، بر همین سنگ تکیه می‌زند و بانگ بر می‌دارد:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ! مَنْ هَمَانِ بَاقِيَمَانْدِهِ خُدا بر زمین که خداوند درباره‌اش فرموده **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**

۱۹

خوشا به سعادت آنانی که در آن زمان، حجرالاسود درباره‌ی وفای به عهدشان شهادت دهد.

خوشا به حال آنانی که در زمان غیبت حجت خدا، یاریگر او و خدایش بوده‌اند.^{۲۰}

خوشا به بخت بلند آنانی که روزگار ظهور را درک می‌کنند و از برکات آن عصر منتعم می‌شوند.

...

در این دوره درباره‌ی فلسفه‌ی خلقت آدمی صحبت کردیم. گفتیم خداوند متعال اراده فرمود تا بهترین و شریف‌ترین مخلوقاتش را به عنوان جانشین خود روی زمین بفرستد تا در سایه‌ی هدایت ایشان، جنّ و انس به عبودیت خالق خویش و سعادت و رستگاری ابدی نائل آیند. لذا آدم ابوالبشر را خلق کرد و ابتدا آن ۱۴ وجود شریف و سپس، همه‌ی کسانی را که قرار بود از نسل آدم علیه السلام پای بر زمین بگذارند، در صُلب او قرار داد.

خداوند رحمان از آدمیان عهد گرفت تا آن ۱۴ دردانه‌ی خلقت را به سرپرستی خود و برتری نسبت به همه‌ی مخلوقات خدا قبول داشته باشند و محبت‌شان را در دل پیورراند.

در طول تاریخ، فرستادگان و پیامبران الهی همواره این **عهد معهود** را به مردم یادآور می‌شدند و سعادت و خوشبختی ابدی ایشان را در جهان باقی در گرو وفاداری به این عهد اعلام می‌نمودند. اما از سوی دیگر شیطان قسم خورده بود بنی آدم را از این عهد، منحرف سازد و بدین ترتیب انتقامش را از مخلوقی که به او برتری داده

^{۱۵} "وَ هُوَ الشَّاهِدُ لِمَنْ وَاَقَى": بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

^{۱۶} من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۲.

^{۱۷} علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۳۰.

^{۱۸} وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۱۴.

^{۱۹} قرآن کریم، سوره هود، آیه ۸۶، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

^{۲۰} علاقمندان می‌توانند جهت آشنایی با راه‌های نصرت امام در عصر غیبت به کتاب «غربت، نصرت، مراجعه» نوشته‌ی مسعود بسیطی مراجعه فرمایند. در این کتاب معنای تمسک و شیوه‌ی مراجعه به امام غایب نیز به تفصیل بیان گردیده است.

شده بود، بگیرد. لذا با ترفندهای مختلف، مردم را از عمل به عهدشان درباره‌ی پذیرش و دوستی آن ۱۴ جانشین برگزیده دور کرد. تا آنجا که بنی آدم نعمت وجود ۱۴ موعود عهد را به بدترین صورت کفران نمودند. یکی را زهر نوشاندند، یکی را پهلوی شکستند، دیگری را فرق شکافتند، آن یکی را حلقوم بریدند. ۱۳ نفر از ۱۴ موعود عهد را کُشتند تا زمین از خدا و هدایتگرانش خالی شود.

غضب خدا برانگیخته شد و موعود آخر را از دسترس آدمیان خارج کرد.

بنی آدم روز به روز به ضلالت نزدیک‌تر شد و ابلیس، شادمان‌تر!

و همه‌ی اینها نتیجه‌ی بی‌اعتنایی به عهد معهود بود. عهدی که از پیش از آمدن‌مان به زمین همراه‌مان بوده و آن زمان که این جهان را به سوی سرای باقی ترک می‌کنیم هم همراه‌مان است. از همین روست که در تلقین میّت، خطاب به عزیز درگذشته چنین می‌گوییم:

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ؟ ...

آیا بر آن عهدی که از ما بر پایه‌ی آن جدا شدی هستی؟ [همان عهد که] شهادت دهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده‌ی اوست، و سرور پیامبران و خاتم رسولان است، و اینکه علی امیر مؤمنان است و آقای جانشینان، و امامی که خدا اطاعتش را بر جهانیان واجب کرده، و اینکه حسن و حسین، و علی بن الحسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و قائم حجت مهدی (درودهای خدا بر ایشان) امامان مؤمنان، و حجت‌های خدا بر همه‌ی آفریدگانش؟ ...^{۲۱}

و البته آن زمان برای وفاداری به عهد معهود، دیر است!

همین امروز باید خود را مهیای پاسخ در مقابل خالق رحمان کنیم که با شریف‌ترین و عزیزترین بندگانم که برای هدایت و سعادت شما فرستاده بودم، چه کردید؟ آیا محبت‌شان را در سینه پروراندید؟ آیا به جانشینی من و سرپرستی خود قبول‌شان داشتید؟ آیا سخنان‌شان را به جان خریدید؟ آیا در جهت رضایت‌شان گام برداشتید؟ آیا نصرت‌شان کردید؟ آیا به عهدتان وفا نمودید؟

بباید تا فرصت باقی است بیعت‌مان را با امام زنده‌ی غریب زمان‌مان تجدید کنیم و هم‌نوا با هم، آمدنش را از خدای رحمان طلب نماییم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَرْوُكُ أَبَدًا ...^{۲۲}

^{۲۱} "هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامَ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ...": زاد المعاد مفتاح الجنان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

^{۲۲} فرازی از دعای عهد: بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۸۵. متن این دعا در کتاب مفاتیح الجنان موجود است.

بارخدايا؛ عهد و بيعتی را که درباره‌ی جانشینت با تو بسته‌ایم، دوباره تجديد می‌کنیم و پیمان می‌بندیم تا نفس در سینه داریم از عهد معهودت رویگردان نشویم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ...^{۲۳}

مهربانا؛ ما را در زمره‌ی یاران و دفاع کنندگانش قرار ده و دعای رسول رحمت را در روز عهد معهود شامل حالمان ساز که فرمود: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»^{۲۴}

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ...^{۲۵}

ای رحم آورنده بر قوم موسی؛ باقیمانده‌ی غیبت را بر ما دوستداران محمد ط ی‌الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکش ببخشای و ظهور آخرین موعود عهد را نزدیک بفرما.

نکات مهم این جلسه

- رسول خاتم در روز عهد معهود (غدیر خم) راه نجات و هدایت مردم هر عصری را در گرو تمسک به امام زنده‌ی زمان‌شان (وفاداری به عهد معهود) اعلام نمود. بنابراین مردم عصر غیبت هم برای سعادت‌مندی باید به امام زمان‌شان متمسک شوند؛ حتی اگر در غیبت باشد.
- لازمه‌ی تمسک به امام زمان، ملاقات فیزیکی ایشان نیست؛ بلکه تمسک به امام یعنی توجه لحظه به لحظه به ایشان و پذیرش اینکه او جانشین خدا بر روی زمین و سرپرست زمینیان است.
- امام، جانشین و چشم و گوش خدا بر روی زمین است و به زمان و مکان محدود نیست. هر جا که باشیم، اگر به او توجه کنیم و خواسته‌مان را عرض کنیم، خواهد شنید.
- بنا به فرمایش امام زمان علیه السلام اگر شیعیان در وفای به عهد معهود یکدل می‌شدند، توفیق ملاقات با امام برای‌شان به تاخیر نمی افتاد و می‌توانستند ایشان را زودتر ببینند.
- بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام اگر مردم عصر غیبت همچون قوم بنی اسرائیل، در طلب منجی یکدل شوند و ظهورش را درخواست کنند خداوند باقیمانده‌ی غیبت را بر ایشان می‌بخشاید؛ اما اگر نسبت به آمدن حجت خدا بی تفاوت باشند، ظهور حضرت و گشایش کار مردم به دورترین زمان ممکن خواهد افتاد.

^{۲۳} همان.

^{۲۴} بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۰.

^{۲۵} بنگرید به پاورقی شماره ۲۲.

- ابلیس به هر حيله‌ای متوسل می‌شود تا با فراموشاندن عهد معهود و موعود عهد، دوران غیبت امام زمان طولانی‌تر شود و بدین ترتیب، هم تعداد بیشتری از انسان را به گمراهی و هلاکت برساند و هم مرگ خود را به تعویق بیندازد.
- با آمدن آخرین باقیمانده از جانشین‌های خدا، شیطان به دست ایشان کشته می‌شود، زمین از عدل و داد و رحمت پر می‌شود، فلسفه‌ی خلقتِ آدمی محقق می‌گردد و خالق متعال آنچنان که شایسته‌ی اوست عبادت می‌شود.
- حجرالاسود یادآور عهدی است که تک تک ما هنگام ورود به صُلب حضرت آدم با خداوند رحمان درباره‌ی دوستی و پذیرش اهل بیت علیهم السلام بستیم. پس از ظهور آخرین موعود عهد (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حجرالاسود به اینکه چه کسانی به عهدشان وفادار ماندند و چه افرادی خیانت کردند شهادت خواهد داد.
- عهد معهود تا پس از مرگ هم همراهمان خواهد بود. از همین رو در تلقین میّت این عهد را به او یادآور می‌شویم و می‌گوییم: هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ؟ ...
- تا فرصت باقی است باید عهدمان را با موعود عهد تجدید کنیم و بر آن وفادار بمانیم.

